داستان رابطه پنهانی مردپولدار با قتل او پایان یافت

13 تیر 1402

زن جوان که در خانه مرد پولدار او را با ضربه‌های قمه کشته است در دادگاه کیفری یک استان تهران پای میز محاکمه ایستاد.
این زن گفت: 3 شبانه‌روز در شکنجه‌گاه مرد پولدار زندانی بودم و برای نجات جانم به‌ناچار دست به قمه بردم.

این زن مدعی شد مرد پولدار تحت تأثیر مصرف مواد مخدر دچار توهم شده و وی را در خانه‌اش حبس کرده بود.

قتل مرد پولدار

رسیدگی به این پرونده از تیرماه سال 1400 آغاز شد. مردی با پلیس تماس گرفت و از بوی تعفنی که از خانه همسایه‌اش به مشام می‌رسید، خبر داد.وی گفت: در همسایگی ما مرد تنهای ۴۲ ساله‌ای به نام محسن زندگی می‌کند. او وضع مالی خوبی دارد و مجرد است، اما چند روزی است از او خبری نیست و من و هیچ کدام از همسایه‌ها او را ندیده‌ایم و بوی تعفن عجیبی هم از خانه‌اش به مشام می‌رسد. ما نگران حال او هستیم.

جسدی در خانه مجردی

با این تماس، مأموران کلانتری به خانه مجردی محسن در خیابان آیت‌الله کاشانی رفتند و پس از گشودن در با جنازه وی روبه‌رو شدند که شواهد نشان می‌داد چند روز از مرگش گذشته است.
جسد با دستور قضایی به پزشکی قانونی منتقل شد و کارشناسان، ضربات متعدد قمه به گردن و پشت وی را علت مرگ اعلام کردند.

مأموران در نخستین گام از تحقیقات به بررسی فهرست مکالمات تلفنی این مرد پرداختند و دریافتند همزمان با کشته شدن وی گوشی موبایلش نیز سرقت شده است. در بررسی تماس‌های تلفنی قربانی، مأموران به رابطه پنهانی وی با یک زن جوان به نام پرستو پی بردند و وی را ردیابی و بازداشت کردند.
پرستو که سعی داشت با دروغگویی، مسیر رسیدگی به پرونده را به بیراهه بکشاند، وقتی فهمید مأموران در بررسی فیلم ضبط شده در دوربین مداربسته ساختمان همسایه دریافته‌اند وی آخرین نفری بوده که خانه محسن را ترک کرده، لب به اعتراف گشود و به قتل مرد پولدار اعتراف کرد.
پرستو34ساله گفت: چند سال قبل از همسرم جدا شدم و همراه دخترم در خانه اجاره‌ای زندگی می‌کردم. مدتی قبل در خیابان با محسن آشنا شدم. او به من ابراز علاقه کرد و رابطه دوستانه ما با هم شروع شد. من چند بار به خانه او رفتم اما او به موادمخدر معتاد بود و گاهی اوقات رفتارهای عجیبی از

او سر می‌زد که باعث تعجبم می‌شد. آخرین بار که به آنجا رفته بودم محسن تحت تأثیر مصرف مواد مخدر حالت طبیعی نداشت. او دست و پایم را با طناب بست و بشدت کتکم زد. در مدتی که مرا حبس کرده بود، اجازه نمی‌داد از خانه‌اش بیرون بروم. او 3 شبانه‌روز مرا شکنجه کرد تا اینکه برای نجات جانم قمه‌ای را که زیر تختخوابش پنهان کرده بود، پیدا کردم و در یک لحظه از فرصت استفاده کردم و قمه را از زیر تختخواب برداشتم و چند ضربه به او زدم.

وی ادامه داد: چون محسن در گوشی موبایلش از من فیلم و عکس سیاه تهیه کرده بود، گوشی موبایل را برداشتم. همان موقع با همسر سابقم تماس گرفتم و او با ماشین دنبالم آمد. در بین راه گوشی موبایل را شکستم و به داخل جوی آب انداختم.
به دنبال اظهارات این زن و بازسازی صحنه جرم برای وی به اتهام قتل و سرقت کیفرخواست صادر و پرونده‌اش به شعبه دهم دادگاه کیفری یک استان تهران فرستاده شد.

در دادگاه

در ابتدای جلسه، اولیای‌دم محسن درخواست قصاص را مطرح کردند، سپس پرستو روبه روی قضات ایستاد و اتهام قتل را پذیرفت.
وی گفت: من به امید شروع یک زندگی تازه با محسن آشنا شدم و به خانه‌اش رفتم، اما او رفتارهای عجیبی داشت. آخرین بار که به آنجا رفته بودم او 3 شبانه‌روز مرا در خانه‌اش زندانی کرد و شکنجه داد. گمان می‌کنم او تحت تأثیر مصرف مواد مخدر دست به چنین کاری زده بود. او حتی می‌خواست مرا بکشد، به همین دلیل قمه‌ای را که زیر تخت قرار داشت بیرون آوردم و به او ضربه زدم.
این زن در حالی که سرش را پایین انداخته بود، ادامه داد: باور کنید اگر محسن را نکشته بودم، خودم کشته می‌شدم، چون او تحت تأثیر مصرف مواد مخدر دچار توهم شده بود و حال طبیعی نداشت. بارها به او التماس کردم دست از سرم بردارد و اجازه بدهد به خانه‌ام بروم اما قبول نکرد. او در این مدت دست و پایم را بسته بود و مرا بشدت کتک می‌زد.
وی درباره اتهام سرقت گوشی موبایل قربانی گفت: من دزد نیستم. چون چیزی از خانه محسن سرقت نکردم. او از من فیلم گرفته و در گوشی موبایلش ذخیره کرده بود. من برای از بین بردن عکس و فیلم‌ها گوشی موبایل محسن را برداشتم و سپس آن را شکستم و به جوی آب انداختم. من اتهام سرقت را قبول ندارم. من اگر دزد بودم می‌توانستم وسایل قیمتی خانه محسن را بدزدم.
وقتی قاضی درباره نحوه فرار وی سؤال کرد، او پاسخ داد: بعد از کشتن محسن ترسیده بودم. به همین

دلیل با همسر سابقم تماس گرفتم. او دنبالم آمد و مرا به خانه برد. ما به خاطر دخترمان با هم در ارتباط بودیم و گاهی اوقات که می‌خواستم به میهمانی بروم او مرا به خانه دوستانم می‌رساند. آن روز هم فکر می‌کرد من در خانه دوستم میهمان بوده‌ام که دنبالم آمد. او اصلاً درباره ماجرای قتل چیزی نمی‌دانست، من هم حرفی به او نزدم.
سپس وکیل وی به دفاع پرداخت و گفت: موکلم 3 شبانه‌روز در خانه این مرد زندانی بوده و برای نجات جانش و در دفاع از خودش مرتکب قتل شده است.
بنا بر این، در پایان جلسه قضات وارد شور شدند تا رأی صادر کنند.